

# مروری بر جایگاه کشورهای صنعتی و ایران در تجارت جهانی

حسن علایی

سهم ایران در صادرات جهانی سال ۱۹۶۶ میلادی (۱۳۴۵ هجری شمسی) تنها ۰/۶ درصد بوده، که در مقایسه با کشورهای عمده بسیار ناچیز بوده است. (جدول ۲) در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ سهم کشورهای عمده صادرکننده در جهان، دچار تغییراتی می‌گردد به طوری که در سال ۱۹۷۵ تنها سهم کشورهای عضو جامعه اروپا، و اتحادیه تجارت آزاد، ثابت می‌ماند (نسبت به سال ۱۹۶۶)، و سهم بقیه کشورها از جمله آمریکا (به ۱۲/۳ درصد)، کانادا (به ۳/۷ درصد)، اروپای شرقی (به ۹ درصد) کاهش می‌یابد، درحالی که سهم کشورهای چوین ژاپن به ۶/۲ درصد افزایش می‌یابد؛ (جدول ۲) بنابراین ملاحظه می‌شود، که بحران نفتی سال ۱۹۷۳ میلادی، بر صادرات کشورهای چوین آمریکا، کانادا، و اروپای شرقی تأثیر منفی بیشتری داشته است.

در این رابطه سهم ایران نیز، به دنبال افزایش بهای نفت در سال ۱۹۷۳ دچار تغییرات شگرفی شده به طوری که به بیش از ۲/۳ درصد حجم صادرات جهانی، افزایش یافته است. تجارت جهان پس از

در این قسمت، ابتدا مرور اجمالی از وضعیت تجارت جهانی و سهم کشورها و گروههای مسلط در آن، خواهیم داشت و در مرحله بعد به بررسی سهم ایران در حجم تجارت جهانی خواهیم پرداخت. بدین منظور در ابتدا به حجم صادرات و واردات جهانی، توجه خواهیم نمود، و در مرحله بعد سهم کشورهای عمده صنعتی و ایران را بررسی خواهیم نمود.

جدول یک، ارقام تجارت جهانی کشورهای صنعتی و ایران را در خلال سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱ نشان می‌دهد. براساس آمارهای انکتاده، حجم صادرات جهانی در سال ۱۹۶۶ بالغ بر ۲۰۵۷۰۰ میلیون دلار بوده است، که از این مقدار به ترتیب جامعه اروپا (EC)<sup>۱</sup> ۳۵ درصد، ایالات متحده آمریکا ۱۴/۶ درصد، کشورهای اروپای شرقی ۱۰/۳ درصد، کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد (EFTA) ۶ درصد، ژاپن ۴/۷ درصد، کانادا، ۴/۶ درصد سهم داشته‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود، که بیش از ۷۵ درصد حجم صادرات جهانی در دست کشورها و اتحادیه‌های فوق‌الذکر بوده است. به همین ترتیب،

۱- جامعه اروپا از سال ۱۹۹۳ به بعد به اتحادیه اروپا (EU) تغییر نام یافت.

سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ از رشد نسبتاً خوبی برخوردار شد و به دنبال افزایش قیمت نفت، و نرخ تورم در کشورهای صنعتی غرب، و سیاستهای انقباضی پولی متعاقب آن، نرخ بهره به مقدار نسبتاً زیادی افزایش یافت. از سال ۱۹۸۰ تا پایان سال ۱۹۸۲، اقتصاد جهانی با چنان رکودی مواجه گردید، که از سالهای ۱۹۲۹ - ۳۲ تا آن زمان، سابقه نداشت. رکود اقتصاد بین‌الملل همراه خود در تجارت جهانی نیز، کاهش شدیدی ایجاد کرد، به طوری که کاهش تقاضا برای کالاهای مورد مبادله، علاوه بر کاهش حجم کالاها، قیمت جهانی کالاها را نیز، کاهش داد. در نتیجه، صادرات جهان با ۱۸۵۰۰۰ میلیون دلار کاهش، از ۱۹۹۴۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۸۰۹۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ رسید.

**در سال ۱۹۶۶ بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی، در انحصار کشورهای جامعه اروپا، اتحادیه تجارت آزاد، آمریکا، کانادا، ژاپن، و اروپای شرقی بوده است.**

بخش عمده‌ای از این کاهش، ناشی از کم شدن قیمت و تقاضا برای نفت کشورهای عضو اوپک (در سالهای ۱۹۷۹ - ۸۱) و بخش عمده دیگر ناشی از کاهش ارزش دلاری صادرات کشورهای عضو جامعه اروپا (به دلیل کاهش میزان صادرات و افزایش نرخ برابری دلار) و نیز پایین آمدن صادرات آمریکا و ژاپن بود.

صادرات آمریکا تحت تأثیر رکود اقتصادی جهان، افزایش ارزش دلار، در اوایل دهه ۱۹۸۰، از ۲۳۳۷۳۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱، به ۲۰۵۶۳۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳، کاهش یافت (۲۸/۱ میلیارد کاهش در عرض دو سال).

در نتیجه این تحولات، سهم کشورهای صادرکننده نفت، از جمله ایران نیز، کاهش یافت، به طوری که سهم ایران، از ۲/۳ درصد صادرات جهانی، در سال ۱۹۷۵ به ۰/۶ درصد در سال ۱۹۸۱ و یک درصد در سال ۱۹۸۳ رسید. به همین ترتیب صادرات کشورهای جامعه اروپا نیز، از ۶۵۷۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶۳۲۵۴۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱، ۶۱۱۵۵۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ و ۵۹۶۳۶۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ کاهش یافت (که معادل ۶۰/۸ میلیارد کاهش در عرض سه سال بود). این در حالی است، که سهم جامعه تغییر عمده‌ای ننموده، از ۳۲/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۳ درصد در سال ۱۹۸۳ رسید.

صادرات ژاپن نیز، با تأخیر یکساله، درابتدا از ۱۲۹۰۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۲۰۱۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱ افزایش یافت، اما در نهایت به ۱۴۶۶۶۸ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ کاهش یافت. بنابراین ملاحظه می‌شود، که میزان تأثیر رکود تجارت جهانی در ژاپن، بسیار کمتر از جامعه اروپا بوده و دوره آن نیز کوتاهتر بوده است. در نتیجه سهم ژاپن، در صادرات جهانی، از ۶/۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۸/۱ درصد در سال ۱۹۸۳ افزایش یافته است.

جدول (۱): ارقام تجارت جهانی (صادرات و واردات)، کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران در خلال سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱  
ارقام به میلیون دلار

عنوان / سال	۱۹۶۶	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
۱ - صادرات جهانی:	۲۰۵۷۰۰	۳۱۵۱۰۰	۸۷۵۵۰۰	۱۹۹۶۰۰	۱۹۷۳۸۰۰	۱۸۳۳۹۰۰
جامعه اروپا (EC)	۷۲۷۳۹	۱۱۶۴۳۳	۳۰۹۲۱۳	۶۵۷۲۰۰	۶۳۲۵۴۷	۶۱۱۵۵۷
اتحادیه تجارت آزاد (EFTA)	۱۲۴۳۳	۱۹۷۱۲	۵۰۹۰۱	۱۱۶۱۰۰	۱۰۴۶۴۵	۹۹۹۳۸
ایالات متحده آمریکا	۲۹۹۹۸	۴۳۲۲۴	۱۰۸۰۵۰	۲۱۲۹۰۰	۲۳۳۷۳۹	۲۱۲۲۷۷
کانادا	۹۵۵۱	۱۶۱۱۹	۳۲۶۸۲	۶۳۱۰۰	۷۰۰۱۸	۶۸۴۹۶
اروپای شرقی	۲۱۲۰۰	۳۱۰۰۰	۷۸۳۰۰	۱۵۵۱۰۰	۱۵۵۷۰۰	۱۶۳۶۰۰
ژاپن	۹۷۷۶	۱۹۳۱۹	۵۵۸۴۰	۱۲۹۰۰۰	۱۵۲۰۱۶	۱۳۸۹۱۱
جمهوری اسلامی ایران	۱۳۰۹	۲۶۲۳	۲۰۲۱۲	-	۱۲۵۸۷	۱۹۴۱۴
۲ - واردات جهانی:	۲۱۶۲۰۰	۳۲۸۳۰۰	۹۰۳۷۰۰	۱۹۹۶۰۰	۲۰۴۳۴۰۰	۱۹۱۰۷۹۹
جامعه اروپا (EC)	۸۰۱۷۱	۱۲۴۷۸۲	۳۲۶۱۲۶	۶۵۸۴۰۰	۶۸۶۲۴۷	۶۵۶۱۸۸
اتحادیه تجارت آزاد (EFTA)	۱۵۱۴۳	۲۳۵۳۵	۵۸۳۷۴	۱۳۷۵۰۰	۱۱۱۴۲۳	۱۰۵۶۳۱
ایالات متحده آمریکا	۲۵۴۳۹	۳۹۹۵۲	۱۰۳۸۴۳	۲۴۰۸۰۰	۲۷۳۳۵۲	۲۵۴۸۸۴
کانادا	۹۳۱۷	۱۳۳۶۰	۳۴۱۰۵	۴۹۲۰۰	۶۶۳۰۳	۵۵۰۳۵
اروپای شرقی	۲۱۷۰۰	۳۱۷۰۰	۹۲۱۰۰	۱۴۳۸۰۰	۱۵۹۷۰۰	۱۵۷۵۰۰
ژاپن	۹۵۲۳	۱۸۸۸۳	۵۷۸۸۰	۱۲۳۹۰۰	۱۴۳۲۸۸	۱۳۱۹۳۲
جمهوری اسلامی ایران	۹۲۸	۱۶۶۲	۱۰۳۴۳	-	۱۲۵۴۹	۱۱۵۳۹

جدول (۲) سهم کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران در تجارت جهانی طی سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱  
ارقام: درصد

عنوان / سال	۱۹۶۶	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
۱ - صادرات جهانی:	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جامعه اروپا (EC)	۳۵	۳۷	۳۵	۳۲/۹	۳۲	۳۳
اتحادیه تجارت آزاد (EFTA)	۶	۶	۶	۵/۸	۵	۵
ایالات متحده آمریکا	۱۴/۶	۱۳/۷	۱۲/۳	۱۰/۷	۱۱/۸	۱۱/۶
کانادا	۴/۶	۵/۱	۳/۷	۳/۲	۳/۵	۳/۷
اروپای شرقی	۱۰/۳	۱۰	۹	۷/۸	۸/۸	۹
ژاپن	۴/۷	۶/۱	۶/۳	۶/۵	۷/۷	۷/۶
ایران	۰/۶	۰/۸	۲/۳۸	-	۰/۶	۱
۲ - واردات جهانی:	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
جامعه اروپا (EC)	۳۷	۳۸	۳۶	۳۳	۳۳/۵	۳۴/۳
اتحادیه تجارت آزاد (EFTA)	۷	۷/۱	۶/۴	۶/۹	۵/۴	۵/۵
ایالات متحده آمریکا	۱۱/۷	۱۲/۲	۱۱/۵	۱۲/۱	۱۳/۴	۱۳/۳
کانادا	۴/۳	۴	۳/۸	۲/۵	۳/۲	۲/۹
اروپای شرقی	۱۰	۹/۶	۱۰/۲	۷/۲	۷/۸	۸/۲
ژاپن	۴/۴	۵/۷	۶/۴	۶/۲	۷	۶/۹
ایران	۰/۴	۰/۵	۱	-	۰/۶	۰/۶

ادامه جدول (۱) ارقام تجارت جهانی (صادرات و واردات)، کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران در خلال سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱  
ارقام به میلیون دلار

۱۹۹۱	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳
۳۴۲۴۷۰۰	۳۴۱۶۵۹۹	۳۰۲۱۴۹۹	۲۸۱۶۹۰۰	۲۴۹۰۴۹۹	۲۱۲۴۹۹۹	۱۹۳۵۶۰۰	۱۹۱۴۲۰۰	۱۸۰۹۶۰۰
۱۳۵۶۴۶۹	۱۳۵۳۰۲۳	۱۱۳۰۲۶۴	۱۰۵۸۲۰۹	۹۶۱۱۹۵	۷۹۷۹۵۳	۶۵۵۴۸۰	۶۰۷۶۶۹	۵۹۶۳۶۵
۲۱۶۴۴۶	۲۲۵۰۹۴	۱۸۷۲۹۹	۱۷۷۸۹۴	۱۶۰۱۷۴	۱۳۲۹۵۵	۱۰۹۵۸۹	۱۰۴۱۱۹	۹۹۳۸۵
۴۲۱۷۳۰	۳۹۳۵۹۲	۳۶۳۸۱۲	۳۲۱۸۱۳	۲۵۴۱۲۲	۲۲۷۱۵۸	۲۱۸۸۲۸	۲۲۳۹۹۹	۲۰۵۶۳۹
۱۲۶۸۳۳	۱۲۷۴۱۹	۱۱۷۲۳۵	۱۱۳۵۲۱	۹۴۴۰۲	۸۶۸۵۰	۸۷۴۷۸	۸۶۷۲۹	۷۳۵۱۴
-	-	۲۰۰۰۰۰	۲۱۳۱۰۰	۲۰۳۸۰۰	۱۸۶۸۰۰	۱۷۰۰۰۰	۱۷۴۱۰۰	۱۷۱۲۰۰
۳۱۴۵۲۵	۲۸۶۹۴۹	۲۷۵۱۷۳	۲۶۴۹۱۵	۲۲۹۲۲۴	۲۰۹۱۵۳	۱۷۵۶۸۳	۱۷۰۱۰۷	۱۴۶۶۶۸
۱۵۹۱۶	۱۵۳۱۸	۱۱۳۶۰	۸۱۵۴	۱۱۰۳۶	۸۳۲۲	۱۲۳۲۸	۱۳۲۲۳	۲۰۲۴۷
۳۵۴۲۸۰۰	۳۵۵۹۹۰۰	۳۱۴۳۸۰۰	۲۹۱۸۱۰۰	۲۵۶۵۲۹۹	۲۲۰۵۴۰۰	۲۰۱۴۳۹۹	۱۹۸۵۷۰۰	۱۸۷۴۸۹۹
۱۴۴۷۹۰۸	۱۴۱۸۲۱۶	۱۱۶۷۶۰۹	۱۰۸۰۹۷۵	۹۶۳۸۱۴	۷۸۷۲۴۳	۶۶۵۲۳۱	۶۳۵۲۷۲	۶۲۸۲۷۲
۲۱۶۰۰۳	۲۳۰۶۶۲	۱۹۵۶۷۰	۱۸۵۷۹۴	۱۶۷۷۳۱	۱۳۷۵۵۳	۱۰۹۹۳۹	۱۰۶۶۸۷	۱۰۱۵۱۳
۵۰۹۳۲۰	۵۱۶۹۸۷	۴۹۳۱۹۵	۴۵۹۵۶۵	۴۲۴۴۴۲	۳۸۲۲۹۵	۳۶۱۶۲۶	۳۴۱۱۷۷	۲۶۹۸۷۸
۱۱۸۱۱۹	۱۱۶۷۲۰	۱۱۴۲۴۷	۱۰۷۴۲۲	۸۷۷۰۰	۸۰۹۷۸	۷۶۴۱۳	۷۳۷۰۵	۶۱۳۴۳
-	-	۲۰۰۸۰۰	۲۱۲۲۰۰	۱۹۷۳۰۰	۱۸۵۶۰۰	۱۶۹۳۰۰	۱۶۴۵۰۰	۱۶۲۴۰۰
۲۳۶۷۴۴	۲۳۴۸۰۰	۲۱۰۸۴۰	۱۸۷۳۴۸	۱۴۹۵۱۵	۱۲۶۴۰۸	۱۲۹۴۸۰	۱۳۶۵۲۲	۱۲۶۳۹۲
۲۱۶۸۸	۱۵۷۱۶	۱۲۸۰۷	۹۵۴	۹۵۷۰	۱۰۵۲۱	۱۱۶۳۵	۱۵۳۷۰	۱۸۲۹۶

(1) IMF, Direction of Trade statistics Yearbook, 1993 (Washington, D.C: IMF, pub, 1993).

(2) UNCTAD COMMODITY YEARBOOK, 1990 (New York: United Nations, pub, 1991)

ادامه جدول (۲) سهم کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران در تجارت جهانی طی سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱  
ارقام: درصد

۱۹۹۰	۱۹۹۰	۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۷	۱۹۸۶	۱۹۸۵	۱۹۸۴	۱۹۸۳
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۹/۶	۳۹/۶	۳۷/۴	۳۷/۶	۳۸/۶	۳۷/۶	۳۳/۹	۳۲	۳۳
۶/۳	۶/۶	۶/۲	۶/۳	۶/۴	۶/۳	۵/۷	۵	۵/۵
۱۲/۳	۱۱/۵	۱۲	۱۱/۴	۱۰/۲	۱۰/۷	۱۱/۳	۱۱/۷	۱۱/۴
۳/۷	۳/۷	۳/۹	۴/۰۳	۳/۸	۴/۰۸	۴/۵	۴/۵	۴/۴
-	-	۶/۶	۷/۶	۸/۲	۸/۸	۸/۸	۹	۹/۴
۹/۲	۸/۴	۹/۱	۹/۴	۹/۲	۹/۸	۹	۸/۹	۸/۱
۰/۴۶	۰/۴۵	۰/۳۷	۰/۲۹	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۶۳	۰/۷	۱
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۰/۹	۳۹/۸	۳۷/۱	۳۷/۱	۳۷/۶	۳۵/۷	۳۳	۳۲	۳۳/۵
۶/۱	۶/۵	۶/۲	۶/۴	۶/۵	۶/۲	۵/۴	۵/۲	۵/۴
۱۴/۴	۱۴/۵	۱۵/۷	۱۵/۷	۱۶/۵	۱۶/۹	۱۷/۹	۱۷/۲	۱۴/۴
۳/۳	۳/۲	۳/۶	۳/۷	۳/۴	۳/۷	۳/۸	۳/۷	۳/۲
-	-	۶/۴	۷/۳	۷/۷	۸/۴	۸/۴	۸/۳	۸/۷
۶/۷	۶/۶	۶/۷	۶/۴	۵/۸	۵/۷	۶/۴	۶/۹	۶/۸
۰/۶۲	۰/۴۴	۰/۴۱	۰/۳۲	۰/۳۷	۰/۴۸	۰/۵۸	۰/۵۹	۰/۸۲

مأخذ: جدول (۱)

جدول (۳) موازنه بازرگانی کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران

طی سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱ ارقام به میلیون دلار

عنوان / سال	۱۹۶۶	۱۹۷۰	۱۹۷۵	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲
جامعه اروپا (EC)	-۷۴۳۲	-۸۳۴۹	-۱۶۹۱۳	-۱۲۰۰	-۵۳۷۰۰	-۴۴۶۳۱
اتحادیه تجارت آزاد (EFTA)	-۲۷۱۰	-۳۸۲۳	-۷۴۷۳	-۲۱۴۰۰	-۶۷۷۸	-۵۶۹۳
آمریکا	۴۵۵۹	۳۲۷۲	۴۲۰۷	-۲۷۹۰۰	-۳۹۶۱۳	-۴۲۶۰۷
کانادا	۲۳۴	۲۷۵۹	۱۴۲۱	۱۳۹۰۰	۳۷۱۵	۱۳۴۶۱
اروپای شرقی	-۵۰۰	-۷۰۰	-۱۳۸۰۰	۱۱۳۰۰	-۴۰۰۰	۶۱۰۰
ژاپن	۲۵۳	۴۳۶	-۲۰۴۰	۵۱۰۰	۸۷۲۸	۶۹۷۹
ایران	۳۸۱	۹۶۱	۹۸۶۹	-	۳۸	۷۸۷۵

ادامه جدول (۳) موازنه بازرگانی کشورهای صنعتی، اروپای شرقی و ایران

طی سالهای ۱۹۶۶ - ۹۱ ارقام به میلیون دلار

۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۰
-۳۱۹۰۷	-۲۷۶۰۳	-۹۷۵۱	۱۰۷۱۰	-۲۶۱۹	-۲۲۷۶۶	-۳۳۳۴۵	-۶۵۱۹۳	-۹۱۴۳۹
-۲۱۲۸	۱۴۳۲	-۳۵۰	-۴۵۹۸	-۷۵۵۷	-۷۹۰۰	-۸۳۷۱	-۵۵۶۸	۴۴۳
-۶۴۲۳۹	-۱۱۷۱۷۸	-۱۴۲۷۹۸	-۱۵۵۱۳۷	-۱۷۰۳۲۰	-۱۳۷۷۵۲	-۱۲۹۳۸۳	-۱۲۳۳۸۶	-۸۷۵۹۰
۱۲۱۷۱	۱۳۰۲۴	۱۱۰۶۵	۵۸۷۲	۶۷۰۲	۶۰۹۹	۲۹۸۸	۱۰۶۹۹	۸۷۱۴
۸۸۰۰	۹۶۰۰	۷۰۰	۱۲۰۰	۶۵۰۰	۹۰۰	-۸۰۰	-	-
۲۰۲۷۶	۳۳۵۸۵	۴۶۲۰۳	۸۲۷۴۵	۷۹۷۰۹	۷۷۵۶۷	۶۴۳۳۳	۵۲۱۴۹	۷۷۷۸۱
۱۹۵۱	-۲۱۴۷	۶۹۳	-۲۱۹۹	۱۴۶۶	-۱۳۰۰	-۱۴۴۷	-۳۹۸	-۵۷۷۲

مأخذ: جدول (۱)

در همین مدت، صادرات آمریکا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا (افتا) نیز، به ترتیب از ۲۱۲۹۰۰ و ۱۱۶۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۲۳۳۷۳۹ و ۱۰۴۶۴۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱ و ۲۰۵۶۳۹ و ۹۹۳۸۵ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ محدود گردید. این درحالی است، که سهم آمریکا از ۱۰/۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۹۸۱ افزایش یافت، اما مجدداً به ۱۱/۴ درصد در سال ۱۹۸۳ محدود گردید، درحالی که سهم اتحادیه تجارت آزاد از ۵/۸ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵/۵ درصد در سال ۱۹۸۳ رسید.

**بدنبال بحران نفتی سال ۱۹۷۳، سهم ایران در صادرات جهانی، به یکباره افزایش بی سابقه‌ای یافت و در سال ۱۹۷۵ به ۲/۳ درصد رسید.**

در همین مدت صادرات اروپای شرقی، برخلاف رکود صادرات کشورهای غربی، افزایش یافت و از ۱۵۵۱۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۵۵۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱ و ۱۷۱۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ رسید. به طوری که در نهایت سهم این گروه از کشورها، از ۷/۱۸ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۸/۸ درصد در سال ۱۹۸۱ و ۹/۴ درصد در ۱۹۸۳ رسید. (جدول ۲)

و بالاخره صادرات کانادا نیز از ۴۹۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به ۶۶۳۰۳ میلیون دلار در سال

۱۹۸۱ رسید، اما طی سالهای ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ کاهش یافت و به ۶۱۳۴۳ میلیون دلار در سال ۱۹۸۳ رسید. در همین مدت سهم کانادا، در صادرات جهانی افزایش یافت و ۳/۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳/۵ درصد در سال ۱۹۸۱ و ۴ درصد در سال ۱۹۸۳ رسید.

بنابراین چنانکه ملاحظه می‌شود، رکود اقتصاد جهانی، که در اثر نوسانات افزایشی بهای نفت، بحران گروگان‌گیری در ایران و نیز سایر مسائل ایجاد گردیده بود، بیشترین تأثیر منفی خود را بر اقتصاد آمریکا (در مرحله اول) و جامعه اروپا (در مرحله دوم) برجای نهاد. در سالهای بعد، ارزش صادرات جهانی، به طور پیوسته افزایش یافت، و از ۱۹۱۴۲۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ به ۲۴۹۰۴۹۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۷، ۳۰۲۱۴۹۹ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ و ۳۴۲۴۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۱ رسید. (۱۵۱۰۵۰۰ میلیون دلار در عرض ۸ سال)

در این ارتباط سهم جامعه اروپا، از ۳۲ درصد صادرات جهانی در سال ۱۹۸۴ (معادل ۶۰۷۶۶۹ میلیون دلار) به ۲۸/۶ درصد در سال ۱۹۸۷ (معادل ۹۶۱۱۹۵ میلیون دلار) و ۳۹/۶ درصد در سال ۱۹۹۱ (معادل ۱۳۵۶۴۶۹ میلیون دلار) رسید؛ که البته قسمت اعظم افزایش سهم جامعه اروپا، ناشی از پیوستن اعضای جدید به این سازمان، بوده است (اعضای جدید عبارت اند از: یونان، اسپانیا و پرتغال، که از سال ۱۹۸۶ به این سازمان پیوسته اند).

سهم آمریکا نیز، از ۱۱/۷ درصد در سال ۱۹۸۴ (معادل ۲۲۳۹۹۹ میلیون دلار) به حداقل خود، در

افزایش یافته است). کاهش سهم کشورهای اروپای شرقی بیشتر به دلیل جریان تحولات سیاسی این کشورها و کمتر وابسته بودن آنها، به نوسانات اقتصاد جهانی، و در نتیجه کاهش توانایی رقابت آنها، با کشورهای بلوک غرب از یک طرف، و کاهش مبادلات تهاتری در سطح بین‌المللی از طرف دیگر بوده است.

به طور مشابه سهم کانادا در صادرات جهانی نیز، طی سالهای بعد از ۱۹۸۳ به طور بطئی کاهش داشته و از ۴/۵ درصد در سال ۱۹۸۴ (معادل ۸۶۷۲۹ میلیون دلار) به ۳/۸ درصد در سال ۱۹۸۷ (معادل ۹۴۴۰۲ میلیون دلار) و ۳/۷ درصد در سال ۱۹۹۱ (معادل ۱۲۶۸۳۳ میلیون دلار) رسیده است.

اما سهم ایران از صادرات جهانی، از حداکثر خود در سالهای بعد از انقلاب، یعنی یک درصد در سال ۱۹۸۳ (معادل ۱۸۲۹۶ میلیون دلار) به ۰/۷ درصد در سال ۱۹۸۴ کاهش یافته است. (معادل ۱۵۳۷۰ میلیون دلار). در سالهای بعد سهم ایران به دلیل کاهش صادرات نفت از یک طرف و کاهش قیمتهای جهانی نفت از طرف دیگر، در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ پیوسته در حال کاهش بوده، به طوری که به حداقل خود یعنی ۰/۲۹ درصد (معادل ۸۱۵۴ میلیون دلار) در سال ۱۹۸۸ رسیده است. در سالهای بعد از جنگ تحمیلی نیز، مجدداً با افزایش صادرات نفت و افزایش قیمت آن، این سهم مجدداً افزایش یافته و به ۰/۴۶ درصد در سال ۱۹۹۱ (معادل ۱۵۹۱۶ میلیون دلار) بالغ گردیده است.

سالهای دهه ۱۹۸۰ یعنی ۱۰/۲ درصد در سال ۱۹۸۷ (معادل ۲۵۴۱۲۲ میلیون دلار) رسید، اما مجدداً از سال ۱۹۸۸ این سهم با نوساناتی افزایش پیدا کرد و در سال ۱۹۸۹ به ۱۲ درصد (معادل ۳۶۳۸۱۲ میلیون دلار) و در سال ۱۹۹۱ به ۱۲/۳ درصد صادرات جهانی (معادل ۴۲۱۷۳۰ میلیون دلار) بالغ گردید. (کاهش سهم آمریکا در سالهای میانه دهه ۱۹۸۰ به عدم توانایی رقابت آمریکا با بازار مشترک اروپا و ژاپن، و سیاستهای حمایتی این دو در قبال تولیدکنندگان داخلی، و در مجموع به سیاستهای تعرفه‌ای آنها برمی‌گردد، که از نتایج آن کسری شدید تراز پرداختهای آمریکا بوده است).

سهم ژاپن نیز، در سالهای فوق افزایش داشته، به طوری که از ۸/۹ درصد در سال ۱۹۸۴ (معادل ۱۷۰۱۰۷ میلیون دلار) به حداکثر خود یعنی ۹/۸ درصد در سال ۱۹۸۶ (معادل ۲۰۹۱۵۳ میلیون دلار) رسیده است، اما در سالهای بعد، این سهم دارای نوسانات نسبتاً زیادی بوده به طوری که در سال ۱۹۹۰ به ۸/۴ درصد رسیده (معادل ۲۸۶۹۴۹ میلیون دلار) و در سال ۱۹۹۱ با ۰/۸ درصد افزایش به ۹/۲ درصد (معادل ۳۱۴۵۲۵ میلیون دلار) بالغ گردیده است.

نکته قابل توجه طی دهه ۱۹۸۰ کاهش شدید سهم کشورهای اروپای شرقی، در صادرات جهانی است، به طوری که سهم این گروه از کشورها، از ۹ درصد در سال ۱۹۸۴ به کمتر از ۶/۷ درصد در سال ۱۹۸۹ رسیده است (در این میان، صادرات این گروه از ۱۷۴۱۰۰ میلیون دلار، به ۲۰۰۰۰۰ میلیون دلار،

در کل، چنانکه ملاحظه شد، نوسانات سهم ایران در صادرات جهانی به دلیل وابسته بودن آن به صادرات نفت، در سالهای قبل از انقلاب، بیشتر تحت تأثیر نوسانات قیمت نفت قرار داشته، به طوری که با افزایش قیمت نفت سهم صادرات ایران، در صادرات جهانی افزایش یافته است، در حالی که در سالهای بعد از انقلاب، مسئله جنگ، بمباران تأسیسات و ترمینالهای صادرات نفت، و کاهش سرمایه گذاریهای جایگزین در اکتشاف و استخراج نیز، به عامل اول اضافه شده و در نهایت سهم صادرات ایران در صادرات جهانی به تدریج کاهش یافته است (به عنوان مثال سهم ایران در صادرات جهانی ۱۹۹۱ کمتر از سال ۱۹۶۶ بود در حالی که در سال ۱۹۶۶ نفت تنها ۵۰ درصد از صادرات ایران بوده است.

**رکود جهانی سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ به کاهش سهم کشورهای عضو اوپک (وایوان)، در صادرات جهانی منجر گردید.**

در زمینه واردات نیز تصویر نسبتاً متفاوتی به چشم می خورد. در سال ۱۹۶۶ حجم کل واردات جهانی، بالغ بر ۲۱۶۲۰۰ میلیون دلار بوده، که این مقدار در سال ۱۹۷۰ به ۳۲۸۳۰۰ میلیون دلار و در سال ۱۹۷۵ به ۹۰۳۷۰۰ میلیون دلار رسیده است.

حجم واردات جهانی در اولین سال دهه ۱۹۸۰ به ۱۹۹۴۶۰۰ میلیون دلار بالغ گردیده که در مقایسه با سال ۱۹۷۵ بیش از دو برابر بوده است. در سالهای بعد

(سالهای رکود ۱۹۸۱ - ۸۳) حجم واردات جهانی با یک روند کاهش مواجه گردید به طوری که این حجم در سالهای ۱۹۸۱، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ به ترتیب به ۲۰۴۳۴۰۰، ۱۹۱۰۷۹۹ و ۱۸۷۴۸۹۹ میلیون دلار تنزل یافت.

بررسی ترکیب کشوری واردات جهان، نشان می دهد، که سهم ایالات متحده به دلیل افزایش ارزش برابری دلار، در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ افزایش یافته است. به عبارت دیگر سهم آمریکا، که در سال ۱۹۷۵ بالغ بر ۱۱/۵ درصد واردات جهانی بود، و در سال ۱۹۸۰ به ۱۰/۷ درصد تنزل یافت، ولی مجدداً از سال ۱۹۸۱ شروع به افزایش نمود و به ترتیب به ۱۳/۴ درصد در سال ۱۹۸۱، ۱۳/۳ درصد در سال ۱۹۸۲، و ۱۴/۴ درصد در سال ۱۹۸۳ رسید. در همین رابطه ارزش واردات ایالات متحده آمریکا، از ۲۵۴۳۹ میلیون دلار در سال ۱۹۶۶ به ۱۰۳۸۴۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ و ۲۷۳۳۵۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۱ رسید. با این حال در دو سال بعد، با کاهش حجم واردات جهانی، میزان واردات آمریکا با کاهش کمتری مواجه گردید و در سال ۱۹۸۳ به ۲۶۹۸۷۸ میلیون دلار رسید. سهم جامعه اروپا (EC) در سال ۱۹۶۶ بالغ بر ۳۷ درصد کل واردات جهانی (معادل ۸۰۱۷۱ میلیون دلار) بوده، که در سال ۱۹۷۰ به ۲۸ درصد (۱۲۴۷۸۳ میلیون دلار) افزایش یافته، ولی مجدداً در سال ۱۹۷۵ این سهم به ۳۶ درصد (۳۲۶۱۲۶ میلیون دلار) تنزل نموده است. روند کاهشی در سهم واردات جامعه اروپا، در سالهای بعد



جهانی (۱۴۳۸۰۰ میلیون دلار) محدود گردید. در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ سهم این کشورها با وجود رکود جهانی، اندکی افزایش یافت و به ۸/۲ درصد در سال ۱۹۸۲ (معادل ۱۵۷۵۰۰ میلیون دلار) و ۸/۷ درصد در سال ۱۹۸۳ (۱۶۲۴۰۰ میلیون دلار) رسید. این امر حاکی از آن است، که کشورهای اروپای شرقی، بدلیل ماهیت متفاوت اقتصادشان، نسبت به کشورهای اروپای غربی، تأثیر کمتری از رکود سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ گرفته اند.

**برخلاف جهان غرب، صادرات کشورهای اروپای شرقی، در خلال رکود جهانی سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ کاهش نیافت.**

سهم اتحادیه تجارت آزاد در واردات جهانی کاهش محسوسی داشته، به طوری که از ۷ درصد در سال ۱۹۶۶ (معادل ۱۵۱۴۳ میلیون دلار) به ۶/۴ درصد در سال ۱۹۷۵ (۵۸۳۷۴ میلیون دلار) و ۵/۹ درصد در سال ۱۹۸۰ (۱۳۷۵۰۰ میلیون دلار) رسیده است. در سالهای بعد، این سهم تغییری ننموده و در حد ۵/۴ درصد ثابت باقی مانده است (بنابراین، سهم این اتحادیه در رکود سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ تغییر ننموده است). و بالاخره سهم کانادا نیز طی دوره مورد بررسی دچار کاهش گردیده، به طوری که از ۴/۳ درصد در سال ۱۹۶۶ (۹۳۱۷ میلیون دلار) به ۳/۷ درصد در سال ۱۹۷۵ (۳۴۱۰۵ میلیون دلار) و ۳/۲ درصد در سال ۱۹۸۱ (۶۶۳۱۳ میلیون دلار) رسیده است.

نیز ادامه یافته به طوری که در سال ۱۹۸۰ به کمتر از ۳۳ درصد (۶۵۸۴۰۰ میلیون دلار) واردات جهانی رسیده است. در سالهای رکود ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳، سهم جامعه اروپا دچار تغییرات چندانی نگردیده و به ترتیب ۳۳/۵ درصد در سال ۱۹۸۱ (۶۸۶۲۴۷ میلیون دلار)، و ۳۴/۳ درصد در سال ۱۹۸۲ (۶۵۶۱۸۸ میلیون دلار) و ۳۳/۵ درصد در سال ۱۹۸۳ (۶۲۸۲۷۲ میلیون دلار) رسیده است. (جدولهای ۱ و ۲) به طور مشابه در سال ۱۹۶۶ سهم ژاپن، از واردات جهانی، بالغ بر ۴/۴ درصد (۹۵۲۳ میلیون دلار) بوده، که این سهم به ۵/۷ درصد در سال ۱۹۷۰ (۱۸۸۸۳ میلیون دلار) و ۶/۴ درصد در سال ۱۹۷۵ (۵۷۸۸۰ میلیون دلار) افزایش یافته است. در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ سهم واردات جهانی ژاپن، تغییر چندانی نیافته و از ۷ درصد در سال ۱۹۸۱ (معادل ۱۴۳۲۸۸ میلیون دلار) به ۶/۹ درصد در سال ۱۹۸۲ (۱۳۱۹۳۲ میلیون دلار) و ۶/۸ درصد در سال ۱۹۸۳ (معادل ۱۲۶۳۹۲ میلیون دلار) رسیده است.

سهم واردات کشورهای اروپای شرقی از واردات جهانی در سال ۱۹۶۶ بالغ بر ۱۰ درصد کل واردات (۲۱۷۰۰ میلیون دلار) بوده، که این سهم در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۷۵ تغییر عمده ای ننموده و به ترتیب ۶/۹ درصد (۳۱۷۰۰ میلیون دلار) و ۱۰/۲ درصد (۹۲۱۰۰ میلیون دلار) رسیده است. سهم کشورهای اروپای شرقی از واردات جهانی، - مانند جامعه اروپا - در سالهای بعد از ۱۹۷۵ دچار کاهش گردید، به طوری که در سال ۱۹۸۰ به ۷/۸ درصد کل واردات

و اما قبل از بحث پیرامون سهم ایران در واردات جهانی، در ابتدا مرور مختصری بر واردات کشورهای عضو اوپک، در سالهای رکود ۱۹۸۱ - ۸۳ خواهیم داشت.

**در خلال سالهای آخر دهه ۱۹۸۰ سهم کشورهای اروپای شرقی، به دلیل تحولات سیاسی در تجارت جهانی کاهش شدیدی یافت.**

براساس آمارهای انکتاد<sup>۱</sup> (UNCTAD) واردات کشورهای عضو اوپک در سالهای رکود ۱۹۸۱ - ۸۳ نه تنها کاهش چندانی نیافت، بلکه در مقطعی نیز افزایش پیدا کرد. دلیل این امر ظاهراً در ذخایر ارزی این کشورها، نهفته بود، چرا که این ذخایر به آنها اجازه می داد، تا علیرغم کاهش دید صادراتشان، همچنان به واردات خود ادامه دهند، در نتیجه سهم این کشورها در واردات جهانی، از ۶/۴ درصد در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۷ درصد در سال ۱۹۸۳ افزایش یافت. در این رابطه سهم ایران در واردات جهانی، که در سال ۱۹۶۶، ۰/۴ درصد بوده در سال ۱۹۷۰ به ۰/۵ درصد افزایش یافته و در سالهای نیمه اول دهه ۱۹۷۰ با افزایش قیمت نفت و به تبع آن افزایش درآمدهای

نفتی ایران، سهم ایران از واردات جهانی افزایش شدیدی یافته است؛ به طوری که در سال ۱۹۷۵ سهم ایران به یکباره به یک درصد واردات جهانی رسید. در سالهای بعد از ۱۹۷۸ و وقوع انقلاب اسلامی، ارزش واردات ایران کاهش یافت، و در نتیجه سهم واردات ایران نیز، کاهش یافت. سهم ایران در ابتدای رکود جهانی نیمه اول دهه ۱۹۸۰، یعنی سال ۱۹۸۱ به ۰/۶ درصد رسید، و همگام با روند واردات کشورهای عضو اوپک میزان واردات در سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ نه تنها کاهش نیافت، بلکه مجدداً شروع به افزایش نمود و به ۰/۸ درصد واردات جهانی در سال ۱۹۸۳ ترقی نمود. در همین رابطه ارزش واردات ایران، از ۹۲۸ میلیون دلار در سال ۱۹۶۶ به ۱۰۳۴۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ افزایش یافت، که نشان دهنده رشد بالاتر واردات ایران، نسبت به متوسط رشد جهانی آن است.<sup>۲</sup> این ارزش در سال ۱۹۸۱، ۱۲۵۴۹ میلیون دلار بوده، که در سال بعد، یکباره به بیش از ۱۸ میلیارد دلار می رسد.

در سالهای بعد از ۱۹۸۳ حجم واردات جهانی رو به افزایش گذارده، به طوری که از ۱۹۸۵۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۴ به ۳۱۴۳۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۹ و ۳۵۴۲۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۱ رسیده است.

1- UNCTAD. *Op. Cit.*, 1984, 1985, 1986.

۲ - رشد واردات جهانی در سالهای ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۵ بالغ بر ۳۱۵ درصد بوده، در حالی که رشد واردات ایران در همین مدت بیش از ۱۰۰۰ درصد بوده است.

در این رابطه سهم جامعه اروپا، که در سال ۱۹۸۴ به کمترین میزان خود، (۳۲ درصد) رسیده بود شروع به افزایش نمود، به طوری که در سال ۱۹۸۹ به حد سال ۱۹۶۶ (۳۷ درصد کل واردات جهانی) رسید (که البته به مانند بخش صادرات، قسمت عمده‌ای از افزایش سهم واردات جامعه اروپا، ناشی از پیوستن اعضای جدید به آن جامعه بود). در دو سال بعد سهم جامعه اروپا به مقدار نسبتاً زیادی افزایش یافت و به ۴۰/۹ درصد در سال ۱۹۹۱ بالغ گردید. برخلاف جامعه اروپا، سهم اتحادیه تجارت آزاد نیز در واردات جهانی، طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۷، اندکی افزایش یافت (از ۵/۲ درصد در سال ۱۹۸۴ به ۶/۵ درصد در سال ۱۹۸۷ رسید)، اما از سال ۱۹۸۸ این سهم تغییر عمده‌ای ننموده و در حد ۶ تا ۶/۵ درصد در نوسان بوده است. و اما شاخصترین افزایش، در سهم ایالات متحده آمریکا به وجود آمده، به طوری که افزایش ارزش دلار، در سال ۱۹۸۴ سهم آمریکا را، از ۱۴/۴ درصد در سال ۱۹۸۳، یکباره به ۱۷/۲ درصد در سال ۱۹۸۴ و ۱۷/۳ درصد در سال ۱۹۸۶ (بالاترین سهم آمریکا از واردات جهانی در دوره مورد بررسی) رسانیده است. این مسئله با توجه به ثبات نسبی سهم صادرات آمریکا، کسری تراز بازرگانی آن کشور را، بسیار تشدید نمود، که در قسمت دوم مقاله بررسی خواهد شد.

در سالهای بعد با اعمال سیاست کاهش ارزش دلار از سهم واردات آمریکا کاسته شد، به طوری که در سال ۱۹۸۹ به ۱۵/۷ درصد و در سال ۱۹۹۱ به

۱۴/۴ درصد واردات جهانی رسید (که معادل سهم سال ۱۹۸۳ این کشور می‌باشد).

سهم کانادا نیز طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۹ افزایش ناچیزی داشته و از ۳/۲ درصد در سال ۱۹۸۳ به ۳/۸ درصد در سال ۱۹۸۵ و ۳/۶ درصد در سال ۱۹۸۹ رسیده است؛ اما در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ این سهم مجدداً کاهش یافته و به ۳/۳ درصد در سال ۱۹۹۱ محدود گردیده است.

برخلاف سالهای نیمه اول دهه ۱۹۸۰، که سهم کشورهای اروپای شرقی در واردات جهانی، در حال افزایش بود، در سالهای اولیه نیمه دوم (۱۹۸۵ و ۱۹۸۶) این سهم تقریباً ثابت باقی مانده و بالاخره از سال ۱۹۸۷ شروع به کاهش نموده است، به طوری که در سال ۱۹۸۹ به ۶/۴ درصد حجم واردات جهانی، محدود گردیده، که روند آن کاملاً مشابه به صادرات این کشورها بوده است.

سهم ژاپن نیز، در خلال سالهای فوق تغییر چندانی نیافته، و در مجموع تقریباً ثابت باقی مانده است (در خلال سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ این سهم کاهش یافته ولی مجدداً از سال ۱۹۸۷ شروع به افزایش نمود و نهایتاً به همان سقف سال ۱۹۸۳ یعنی ۶/۷ درصد در سال ۱۹۹۱ رسیده است).

اما سهم واردات ایران از واردات جهانی طی سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۸ کاهش یافته است، که دلیل آن در نکات زیر خلاصه می‌شود:

۱ - کاهش ظرفیت صادرات نفت ایران، در نتیجه تخریب صنایع نفت، در جنگ تحمیلی، و عدم

سرمایه‌گذارهای جایگزین، در بالابردن ظرفیتها.

۲- کاهش قیمت جهانی نفت، در سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ به دلیل کاهش تقاضای جهانی نفت، از کشورهای عضو اوپک، به دلیل پیدایش رقبای جدید، در آسیا و اروپا.<sup>۱</sup>

**سهم جامعه اروپا در صادرات جهانی، در یک روند بلندمدت، از ۳۵ درصد در سال ۱۹۶۶ به ۳۹/۶ درصد در سال ۱۹۹۱ رسید.**

مجموع این دو عامل باعث گردید، که درآمدهای ارزی ایران از سال ۱۹۸۳ روبه کاهش گذارد، به طوری که حجم واردات ایران از سال ۱۹۸۳ - ۸۸ به طور مرتب تنزل یافت، و سهم آن در واردات جهانی، از ۸۲/۰ درصد به ۳۲/۰ درصد رسید. به عبارت دیگر دولت ایران به دلیل شرایط جنگی حاکم بر کشور و محدودیت درآمدهای ارزی از یک طرف و فشارهای اقتصادی دنیای غرب از سوی دیگر، مجبور گردید، تا واردات خود را کاهش دهد، اما از سال ۱۹۸۹ با افزایش درآمدهای ارزی و فروش مازاد بر سهمیه نفت ایران، در جریان بحران خلیج فارس (از سال ۱۹۹۰) افزایش صادرات و اجرای برنامه آزادسازی تجاری، میزان واردات کشور، افزایش نسبتاً شدیدی یافت و سهم آن در واردات جهانی به ۶۲/۰ درصد در سال

۱۹۹۱ رسید، که تقریباً دو برابر سال ۱۹۸۸ بود.

در کل، موازنه تجاری کشورها و مناطق مورد بررسی، در خلال دوره مذکور، دچار تحولات چشمگیری گردید. در این رابطه کسری موازنه تجاری جامعه اروپا، از ۷۴۳۲ میلیون دلار، در سال ۱۹۶۶ به ۱۶۹۱۳ میلیون دلار، در سال ۱۹۷۵ و ۵۳۷۰۰ میلیون دلار، در سال ۱۹۸۱ افزایش یافت. به نظر می‌رسد، عمده‌ترین دلیل افزایش شدید کسری موازنه بازرگانی جامعه اروپا، طی سالهای دهه ۱۹۷۰ افزایش شدید بهای نفت خام وارداتی آنها بوده است، به طوری که این کشورها در کوتاه‌مدت، و میان‌مدت قادر به تعدیل وضعیت اقتصادی خود با بازار جدید نفت نبودند. (به علاوه، درخود کشورهای جامعه اروپا نیز، تفاوت‌های فاحشی به چشم می‌خورد. کشورهایی مثل: آلمان، بلژیک، هلند و دانمارک کمتر از مسئله افزایش بهای نفت خام خسارت دیدند و در نتیجه، تراز بازرگانی آنها، کمتر دچار عدم تعادل گردید، ولی کشورهایمانند: انگلستان، ایتالیا، و ایرلند جنوبی دچار موازنه منفی شدیدتری گردیدند).<sup>۲</sup> در سالهای بعد، یعنی از سال ۱۹۸۲ کسری موازنه بازرگانی جامعه اروپا، شروع به کاهش نمود، به طوری که از ۴۴۶۳۱ میلیون دلار، در سال ۱۹۸۳ به ۹۷۵۱ میلیون دلار، در سال ۱۹۸۵ محدود گردید، که به نظر می‌رسد، شوک ناشی از افزایش مجدد بهای نفت و به دنبال آن رکود

۱- البته قسمتی از کاهش قیمت نفت نیز، در تداوم سیاست بلوک غرب در وادار کردن ایران به خاتمه جنگ بود.

۲- ارقام تجارت این کشورها در قسمت دوم مقاله خواهد آمد.

اقتصاد جهانی، تا حدود زیادی مرتفع گردیده است (در عرض ۳ سال کسری موازنه به کمتر از  $\frac{1}{4}$  کاهش یافت) در سال ۱۹۸۶ برای اولین بار، در دوره مورد بررسی، موازنه تجاری جامعه اروپا مثبت گردید، که مقدار آن بیش از، ۱۰ میلیارد دلار بود (باز قابل توجه است که سال ۱۹۸۶ مصادف با پیوستن اعضای جدید به جامعه اروپا بود و به علاوه قیمت جهانی نفت نیز، در سطح نازلی قرار گرفته بود، که خود تأثیر بسیار مثبتی در این مسئله داشت). مجدداً از سال ۱۹۸۷ موازنه تجاری جامعه اروپا منفی گردیده و مقدار آن نیز، مرتباً سیر صعودی پیموده، به طوری که به بیش از ۳۷ میلیارد دلار، در سال ۱۹۸۹، ۶۵ میلیارد دلار، در سال ۱۹۹۰ و ۹۱ میلیارد دلار، در سال ۱۹۹۱ رسیده است.<sup>۱</sup> (هرچند آمارهای رسمی سالهای بعد از ۱۹۹۱ در دسترس نبود، ولی می توان به سادگی پیش بینی نمود، که در سالهای اخیر نیز، این کسری به دلیل کاهش شدید موازنه تجاری آلمان، در اثر اتحاد، افزایش یافته باشد).

به طور مشابه، کسری تراز بازرگانی کشورهای عضو اتحادیه تجارت آزاد نیز، از سال ۱۹۶۶ تا سال ۱۹۷۵ در حال افزایش بوده، و از ۲۷۱۰ میلیون دلار در سال ۱۹۶۶ به ۷۴۷۳ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵

رسیده است. از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۸۴ کسری موازنه تجاری این کشورها، در حال کاهش بوده و از ۶۷۷۸ میلیون دلار کسری، به ۱۴۳۲ میلیون دلار مازاد مبدل شده است. مجدداً از سال ۱۹۸۵ موازنه تجاری کشورهای فوق، منفی گردیده و روند آن نیز، تا سال ۱۹۸۹ پیوسته در حال افزایش بوده و به ۸۴۱۸ میلیون دلار رسیده، اما از سال ۱۹۹۰ کسری فوق کاهش شدیدی یافته و به ۴۴۳ میلیون دلار مازاد، در سال ۱۹۹۱ مبدل شده است. (جدول ۳)

**در سالهای قبل از انقلاب اسلامی، نوسانات صادرات ایران، بیشتر تحت تأثیر بهای جهانی نفت بود، درحالی که در سالهای بعد از انقلاب، مسئله جنگ نیز، بدان افزوده شد.**

برخلاف کشورهای جامعه اروپا و اتحادیه تجارت آزاد، موازنه بازرگانی آمریکا، در سالهای دهه ۱۹۶۰ و نیمه اول دهه ۱۹۷۰ مثبت بوده و مقدار آن از  $\frac{4}{5}$  میلیارد دلار، در سال ۱۹۶۶ به  $\frac{4}{2}$  میلیارد دلار، در سال ۱۹۷۵ رسیده است. از سال ۱۹۷۵ موازنه مثبت بازرگانی آمریکا شروع به کاهش نمود، به طوری که، در سال ۱۹۸۱ به بیش از ۳۹ میلیارد دلار کسری،

۱ - قابل توجه است، که براساس تئوریهای اقتصاد کلان دربرخی از کشورها، در سالهای رونق بعد از رکود، عکس العمل صادرات، به دلیل مسائل گوناگون (مسائل مربوط به زمان بازده سرمایه گذارها، بازار نیروی کار، ظرفیتهای مانده از دوران رکود و ...) به رشد GNP، کمتر از واردات خواهد بود. به عبارت دیگر در زمان رشد مثبت اقتصادی، ضریب رشد واردات سریعتر از، صادرات وارد عمل خواهد شد، و بدین ترتیب احتمال افزایش کسری موازنه تجاری، بیشتر خواهد شد.

مبدل گردید. با پیدایش رکود سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ و افزایش ارزش برابری دلار و عدم توانایی رقابت برخی از صنایع این کشور، با اروپا و ژاپن (صنایع حمل و نقل و ...) و همچنین سیاستهای باز تجاری در بخش واردات کسری موازنه تجاری آمریکا، به طور سرسام آوری شروع به افزایش نمود، به طوری که این افزایش، روند تصاعدی به خود گرفته است. به عبارت دیگر، کسری تراز بازرگانی آمریکا، در سال ۱۹۸۳ بیش از ۶۴ میلیارد دلار می‌گردد، که در سال ۱۹۸۴ به بیش از ۱۱۷ میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۶ به بیش از ۱۵۵ میلیارد دلار، و در سال ۱۹۸۷ به بیش از ۱۷۰ میلیارد دلار، افزایش می‌یابد (در عرض چهار سال کسری موازنه تجاری بیش از ۲/۵ برابر می‌گردد). این در حالی است، که اکثر کشورهای مورد بررسی بعد از سال ۱۹۸۳ یا مانند ژاپن مازاد تجاریشان در حال افزایش بوده و یا مانند جامعه اروپا و اتحادیه تجارت آزاد، کسری تجاریشان در حال کاهش بوده است. (جدول ۳) از سال ۱۹۸۸ کسری موازنه آمریکا با کاهش ارزش برابری دلار و اجرای همزمان برخی سیاستها در واردات از کشورهای صنعتی، شروع به کاهش نمود و در سال ۱۹۸۹ به کمتر از ۱۳۰ میلیارد دلار، و در سال ۱۹۹۱ به ۸۷/۵۹ میلیارد دلار، محدود گردید. (جدول ۳)

در تمامی سالهای مورد بررسی، موازنه تجاری کانادا و ژاپن (به استثنای سال ۱۹۷۵ برای ژاپن) پیوسته مثبت بوده است. در این ارتباط، مازاد تراز بازرگانی کانادا، در سال ۱۹۸۰ به حداکثر خود، یعنی

۱۳/۹ میلیارد دلار، می‌رسد، که در مقایسه با سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۵ به ترتیب ۵۹/۵ و ۵ برابر گردیده است (این در حالی است که اکثریت کشورهای صنعتی در سال فوق، به دلیل رکود اقتصادی، دارای کسری تراز بازرگانی بوده اند).

در سالهای رونق اقتصادی کشورهای صنعتی و کاهش کسری موازنه آنها (به استثنای آمریکا) مازاد تراز بازرگانی کانادا، در ابتدا متوقف گردیده و در مرحله بعد شروع به کاهش نموده، به طوری که در سال ۱۹۸۶ به ۵/۸۷۲ میلیارد دلار و در سال ۱۹۸۹ به ۲/۹۸۸ میلیارد کاهش یافت، اما مجدداً از سال ۱۹۹۰ چند برابر شده و در سال ۱۹۹۱ به ۸۷۱۴ میلیون دلار بالغ گردیده است.

**برخلاف کاهش سهم آمریکا در صادرات جهانی، سهم واردات جهانی این کشور، در خلال سالهای مورد بررسی، از افزایش نسبتاً بالایی، برخوردار گردید، که در نهایت کسری موازنه بازرگانی آن کشور افزایش داد.**

چنانکه اشاره شده مازاد تراز بازرگانی ژاپن نیز، در تمامی سالهای مورد بررسی، بجز سال ۱۹۷۵ مثبت بوده و روند آن نیز تا سال ۱۹۸۶ در حال افزایش بوده است. در این ارتباط، مازاد تراز بازرگانی این کشور در سال ۱۹۶۶، ۲۵۳ میلیون دلار بوده که در سال ۱۹۷۵ به ۲۰۴۰ میلیون دلار کسری مبدل شده است (دلیل کسری ژاپن، وابستگی شدید اقتصاد این کشور، به

سال محدودیتهای شدیدی را، در رابطه با واردات اعمال نمود، به طوری که حجم واردات کشور،

واردات تفت خام بوده است)، اما مجدداً از سالهای نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ این موازنه مثبت گردیده، به طوری که در سال ۱۹۸۰ به ۵۱۰۰ میلیون دلار، در سال ۱۹۸۵ به ۶۲۰۳ میلیون دلار و در سال بعد (سال ۱۹۸۶) به ۸۲۷۴۵ میلیون دلار رسیده است. (حداکثر مازاد تجاری ژاپن در دوره مورد بررسی).

**رشد واردات ایران طی سالهای ۱۹۶۶ - ۱۹۷۵ به مراتب بیشتر از متوسط رشد آنها، در سالهای بعد بوده است.**

**در تمامی سالهای مورد بررسی، روند رشد صادرات ژاپن، به مراتب بیشتر از واردات آن کشور بوده است.**

دسته بندی گردید و از ورود کالاهای غیراستراتژیک جلوگیری به عمل آمد. در این رابطه هرچند سهم ایران، در تجارت جهانی کاهش یافت، ولی عملاً دولت موفق گردید، تا از کسری موازنه تجاری کشور، در شرایط حاد جنگی، جلوگیری به عمل آورد، که خود نکته مثبتی تلقی می شود. با اجرای برنامه اول توسعه اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی کشور و به دنبال آزادسازی تجاری در سالهای بعد از ۱۹۸۹ کسری تجاری ایران به دلیل افزایش شدید واردات، شروع به افزایش نمود، به طوری که در سال ۱۹۹۱ به بیش از ۵ میلیارد دلار بالغ گردید و با توجه به آمارهای رسمی، در سال ۱۹۹۲ نیز، به بیش از ۸ میلیارد دلار رسیده، که خود مشکل بزرگی را، در بازپرداخت سالهای بعدی آن، به وجود آورده است (هم اکنون قسمت بزرگی از مشکلات بازار ارز، از این مسئله یعنی دیون کوتاه مدت خارجی ناشی می گردد).

در کل می توان نتیجه گرفت، ژاپن در مقایسه با اکثریت قریب به اتفاق کشورهای صنعتی غرب، در رکود اقتصادی سالهای اولیه دهه ۱۹۸۰ کمتر از این مسئله آسیب دیده و در سالهای بعد از ۱۹۸۳ علاوه بر آنکه، از رونق اقتصادی جهان استفاده مطلوب نموده، توانسته سهم و مازاد تراز بازرگانی خود را، در تجارت جهانی، افزایش دهد. در سالهای بعد از ۱۹۸۶ مازاد تراز بازرگانی ژاپن، به دلیل فشارهای آمریکا و اروپا در کاهش محدودیتهای تعرفه ای و مقداری، کاهش یافته و در سال ۱۹۹۱ به ۷۷۷۸۳ میلیون دلار بالغ گردیده است (جدول ۳)

شایان ذکر است، که کاهش سهم ایران در تجارت جهانی، رابطه نزدیکی با کاهش سهم اوپک، در بازار جهانی دارد. براساس گزارش گات<sup>۱</sup> (GATT)،

اما در مورد موازنه تجاری ایران، باید توجه داشت، که با کاهش درآمدهای ارزی دولت، از ۱۹۸۵ و کنترل بیشتر بازرگانی خارجی، دولت عملاً از این

1- GATT, FOCUS: GATT Newsletter, No 69, March 1990

عمده سهم صادرات کشورهای نظیر ما در جهان بوده، در حالی که این مسئله، در مورد کشورهای مانند اروپای شرقی، کمتر صادق بوده است.

**کسری موازنه تجاری ایران طی سالهای ۱۹۸۹ - ۹۱ در اثر اعمال سیاستهای باز تجاری، به شدت افزایش یافته است.**

در مجموع در روند صادرات جهانی، کشورهای ژاپن و جامعه اروپا، توانستند سهم خود را افزایش دهند، در حالی که سهم آمریکا، کانادا و اروپای شرقی به طور بطنی دچار کاهش گردیده است. این در حالی است، که در بعد واردات نیز، اگرچه سهم جامعه اروپا، آمریکا و ژاپن افزایش یافته، اما سهم کشورهای اروپای شرقی، کانادا و اتحادیه تجارت آزاد اروپا، دچار کاهش گردیده است.

در این میان علیرغم کاهش سهم اتحادیه تجارت آزاد، در واردات جهانی، این کشورها، در سالهای دهه ۸۰ اغلب با کسری موازنه، مواجه بوده‌اند. در حالی که این مسئله در مورد آمریکا به نحو دیگری بوده، به طوری که به دلیل رشد بالاتر واردات آمریکا نسبت به صادرات، کسری موازنه تجاری آن، شدیداً افزایش یافته است. بالاخره نکته نهایی، در روند صادرات و واردات ژاپن وجود داشته و آن عبارت بوده از، تشویق شدید صادرات و کنترل غیرمستقیم واردات، که به افزایش پیوسته مازاد تجاری این کشور منجر گردیده است.

صادرات کشورهای عضو اوپک در سال ۱۹۸۳ بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار، کاهش یافته است، به طور مشابه واردات این گروه از کشورها نیز، در سال ۱۹۸۲ بالغ بر ۱۲۵/۷ میلیارد دلار بوده، که در سال ۱۹۸۸ به کمتر از ۱۰۱ میلیارد دلار تنزل نموده است. در نتیجه، مازاد تجاری این کشورها، رو به کاهش گذاشته و در سال ۱۹۸۸ به کمتر از ۲۱ میلیارد دلار، رسیده است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به دنبال بحران نفتی سال ۱۹۷۳ سهم کشورهای نظیر ژاپن و کشورهای عضو اوپک، در صادرات جهانی سالهای بعد، افزایش یافت، در حالی که سهم آمریکا، کانادا، و اروپای شرقی دچار کاهش گردید. در این میان، سهم ایران نیز به بیش از دو درصد صادرات جهانی رسید، که تقریباً تمامی افزایش آن، ناشی از افزایش صادرات نفت خام و افزایش بهای نفت بود. این مسئله شکستگی سهم ایران در صادرات جهانی را نشان می‌داد، زیرا با هر نوسانی که در تقاضای نفت و به دنبال آن در بهای نفت، ایجاد می‌گردید، سهم ایران، شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گرفت. نمونه بارز این امر، رکود جهانی سالهای ۱۹۸۱ - ۸۳ بود، که منجر به کاهش قیمت نفت، به دلیل کاهش تقاضای آن، در سطح جهانی گردید، در نتیجه سهم کشورهای عضو اوپک و ایران، در صادرات جهانی، کاهش یافت؛ بنابراین، نوسانات اقتصادی دنیای غرب، تعیین‌کننده



## فهرست منابع و مآخذ:

- 1- IMF, **DIRECTION OF TRADE STATISTICS YEARBOOK**, 1993 Washington/ D.C: IMF, Pub, 1993.
- 2- **UNCTAD COMODITY YEAR BOOK, 1990**, Newyork : UNITED NATIONS , Pub. , 1991.  
as well as The yearbooks of 1984 , 1985 and 1986
- 3- GATT, **FOCUS: GATT News Letter** , NO 69 , March 1990.

